

# ۲۷۳- وقت آنست که در این میدان گوی سبقت و پیشی را از...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ۲۷۳- وقت آنست که در این میدان گوی سبقت و پیشی را از مردان شهیر آفاق بریائی

وقت آنست که در این میدان گوی سبقت و پیشی را از مردان شهیر آفاق بریائی نطق فصیح بگشائی بیان بلیغ بنیائی یاران و اماء رحمن را ثابت و مستقیم نمائی و مانند مریم مجدلیه حواریین را بخدمت نور مبین وا داری تا نفعه مشکین آن آفاق را معطر نماید و نور مبین بر آن اقلیم بتابد.

در چنین وقتی نور موهبت بدرخشد و فیض آسمانی ظاهر گردد و نفوذ کلمه الله مشهود شود و قوت جنود ملا اعلی واضح گردد اما ثبات و استقامت واجب و همت و غیرت شاید. دوستان را در پاریس جمع کن محفل انس بیارا و آهنگ تقدیس بلند کن یاران را تسلی بخش و اماء الرحمن را نوازش کن و بگو عبدالبهاء را محن و آلام آرزوی جانست و اذیت و جفای غافلان مسرت روح و وجدان فراز صلیب او را سریر اثیر است و موت شدید حیات جدید زهر بلا در مذاقش قند مکرر است و سم جفا از شهد و شکر شیرین تر بقا در فنا بیند و حیات در نجات جوید با کمال سرور بمشهد فدا شتابد و در روز قربانی کامرانی کند. شما از محن و آلام او افسرده مشوید پزمرده نگردید حزن و اندوه منمائید بلکه روشنتر شوید و شعله شدیدتر زیند زیرا سر فدا سبب بقاست و فوت و فنا در این مقام علت حیات.

خلاصه کل را بوجد و وله آید و سبب جنبش و حرکت گردید تا دلها منجذب بملکوت اهی شود و ارواح زنده بنفحات ملا اعلی گردد. ای امة البهء، چنان شعله ئی بزن که برودت و خمودت را از آن دیار زائل نمائی



ORIGINAL



AUDIO

و سبب اعلاى کلمه الله گردى و رایت محبت الله مرتفع نمائی تا عاقبت جنگ و جدال از آفاق برافتد و ظلمت  
عداوت و بغضا زائل گردد صبح روشن محبت الله بتابد و در بین بشر چنان الفتى حاصل گردد که جمیع لثالی  
یک دریا گردند و گل و ریاحین یک گلشن و صحراء و از این تعجب منما حال بدایت است در نهایت نظر کن  
دهقان حقیقی چند دانه تخمى افشانده این را مبین توده توده خرمن در این صحرا نظر نما. نظر نباید بقدرت و  
اقتدار خویش نمائیم بلکه توجه بفیض ملکوت نموده کاری در پیش گیریم. هر چند ذره ضعیف و نحیف و  
نابود است ولی در شعاع آفتاب جلوه نماید و هر چند قطره محدود است ولی بجزر البحور متصل لهذا نظر بفیض  
و عنایت جمال ایهى نما و بر خدمت قیام کن.

